

«آقامیرزا علی اکبر آقای اردبیلی و خاندان او»



حاجی میرزا محسن آقا مجتهد اردبیلی دارای پنجاه و سه فرزند بوده است که به هنگام وفات ده دختر و پانزده پسر از آنان زنده بوده اند و چهار تن از این پانزده پسر دارای مرجعیت ، به این شرح : ۱- حاجی میرزا لطفعلی آقا : از سرگذشت او آگاهی ای نداریم الا اینکه پس از حمل جنازه ی پدر به کربلا و دفن آن بدانجا ، در ۱۷ ربیع الاول ۱۲۹۷ به همراه برادرش آقا میرزا علی اکبر آقا از آن خاک پاک بیرون آمد و قصد وطن کرد ولیکن چون در کرمانشاه شنید که برادر کوچکش آقا میرزا یوسف آقا بهر تحصیل در عتبات ماندگار شده است عزم خود را بر گرداند و همراه آقا میرزا علی اکبر آقا به بروجرود رفت و چون او و آقا میرزا علی اکبر آقا در ۱۲۹۹ دوباره عازم عتبات گردید ، به اردبیل بازگشت و در محراب پدر نماز می کرد تا درگذشت .

۲- حاجی میرزا علی اکبر آقا : ترجمه‌ی او را به تفصیل خواهیم آورد

۳- حاجی میرزا یوسف آقا : این بزرگوار علاوه بر حیات مقامی عظیم در قضاوت علی‌الظاهر به برکت ملازمت آقا سید مرتضی کشمیری شاگرد ارشد آخوند ملاحسینقلی همدانی و آقای حاجی میرزا حسین خلیلی طهرانی و آقای حاجی نوری صاحب مستدرک به زینت سلوک نیز آراسته بوده است و این معنی از داستانی که عارف بزرگوار استاد سیدمحمد کاظم عصار طهرانی مرا بازگو فرمود ، نیز از برخی فقرات رساله اثبات واجب خود او که تحریر تقادیر یکی از حکمای آن عصر و به گمان من شیخ الشریعه‌ی اصفهانی است ، پدیدار است راقم سطور چندی پیش از حضرت ابوالمعالی آقای مرعشی نجفی از احوال او و آقا میرزا علی اکبر آقا استعلام کرده بود و آن بزرگوار چنین پاسخ داده : داما آقای حاجی میرزا یوسف آقا ، ایشان از بزرگان تلامذ آیات با هرات آقا سید محمد کاظم صاحب‌العروه و آخوند ملامحمد کاظم صاحب‌الکفایه و غیر این‌ها بودند نوشته‌جات بسیاری در ابواب فقه و اصول داشتند و دارای دو فرزند بودند. مرحوم آقا میرزا اسدالله و آقا میرزا سلیمان و چند اناث داشتند و آن مرحوم نیز از مشایخ روایتی حقیر بودند و روایت می‌نمودند از حاجی نوری و آقای شریعت اصفهانی و آقا سید مرتضی کشمیری و آقای حاج میرزا حسین خلیلی و غیرهم الخ .

آقای یوسف محسن پسرزاده آن بزرگوار پس از دیدن آن شرحی به محضر او فرستاد به این گونه : آن مرحوم چهارمین فرزند مجتهدمبرور اردبیلی بود اعلی‌الله مقامها که در ۱۷رج ۱۲۷۱ متولد شد و مقدمات رادر موطن خود حیات کرد و تا تحصیل سطح بدانجا بود در ۲۵ محرم ۱۲۹۴ پدر در گذشت و او نیز مانند برادران تارک شد تادر غره ذوالحجه ۱۲۹۷ به عزم زیارت و حمل جنازه‌ی پدر با برادران عازم عتبات گردید . پس از ورود بکر بلائی معلی حسب الوصیه جنازه را در کفش‌داری شرقی ایوان حضرت سیدالشهداء دفن کردند . برادران به علت گرانی از اقامت و تحصیل منصرف شدند و همه به اردبیل بازگشتند جز او و آقا میرزا یوسف آقا که به تنهایی برای زیارت مولدانبی عازم نجف گردید . عصر روز ورود مرحوم آخوند

ملا محمد فاضل شرایبانی او را ملاقات کرد و گفت حسب الامر آقای حاجی سید حسین آفاکوه کمره‌ای شما را ملاقات کردم که فردا در خدمت شما به حضور ایشان برسیم فردا به محض ورود مرحوم کوه کمره‌ای سؤال کرد که آیا شما هم عازم اردبیل خواهید شد یا به تحصیل اشتغال خواهید ورزید او جواب داد که چند ماهی به عنوان زیارت در خدمتتان خواهم بود بالاخره بعد از مذاکرات فراوان مرحوم کوه کمره‌ای اجازه مسافرت نداد و حتی گفت در صورت اصرار حکم به تحریم سفر شما خواهم کرد و بدین گونه بعد از سه سال ترک تحصیل دوباره مقدمات آن برای او فراهم گردید و مدت یک سال در حوزه آخوند ملا محمد فاضل مذکور روزگار گذاشت و چون او به علت اداره‌ی جمیع امور آقای کوه کمره‌ای نمی‌توانست زیاد به تدریس مواظبت کند به کر بلا مهاجرت کرد و بدانجا رسائل را در محضر آقا شیخ علی یزدی معروف به مدرس با آقایان حاج شیخ عبدالکریم حائری و سید محمد اصفهانی و ثقة الاسلام شهید و آقا میرزا محمد تقی شیرازی بیاموخت آنگاه در درس خارج آقایان آخوند ملاحسین اردکانی و حاج شیخ زین العابدین مازندرانی حاضر شد تا اینکه سرانجام در ۱۳۰۴ مجتهدا و مجازاً به اردبیل مراجعت کرد (۱)

۱ - گویا او می‌خواست قبل از این سال به موطن خود برگردد و آقای مازندرانی مانع شد این مطلب از نامه‌ای که مشارالیه به میرسید صالح آقای مجتهد شوهر خواهر آقا میرزا یوسف آقا، نوشته است به شرح ذیل آشکار است :

«... عرض می‌شود که انشاءالله مزاج و حاج قرین صحت و ابتهاج بوده و در اجرا و انفاذ او امر شرعیه و احکام دینیه موفق و مؤید باشند بعد از استعلام از سلامتی حالات بهجت آیات اینکه چون در این اوقات جناب فضایل و فواضل نصاب عوارف و معارف ایاب و شرایع و محامد آداب علام قهام آقا میرزا یوسف آقا زید فضله‌العالی بجهت اختلال و اغتشاش امور متعلقه به ولایت ایشان عازم حرکت به صوب ولایت بودند هر چند جناب ایشان از فضل حضرت مغان و از فیوضات حائر حسنیة بحمدالله مستغنی از تحصیل و صاحب ملکات قویمه

و تا ۱۳۰۹ بدانجا بود و در آنسال به کربلا بازگشت و در اواخر ۱۳۱۴ روانه نجف شد و ماهی چند در درس هریک از آقایان حاجی شیخ محمد حسن مامقانی و حاجی میرزا حسین خلیلی و فاضل شرایبانی و حاجی شیخ عبدالله مازندرانی و آقا سید محمد کاظم یزدی حاضر می شد ولی بدانگونه که خود بارها گفته بوده است فایده ای از درس این آقایان برای او متصور نبود لذا جمیع حوزه ها را ترک گفت و مادام که آخوند ملا محمد کاظم هروی صاحب کتابه زنده بود به درس او مواظبت کرد و چون او به روز یکشنبه ۱۷ ذوالحجه ۱۳۲۹ از این جهان درگذشت به درس احدی حاضر نشد و تا ۱۳۳۲ به عبادت و زیارت گذراند و در آنسال به اردبیل بازگشت و برخلاف عزم به علت بروز جنگ بین الملل بدانجا ماند گار گردید تا در ۱۱ شعبان ۱۳۳۹ از این عالم درگذشت و پیکرش در ۱۳۴۴ به وسیله فرزندش آقای سلیمان محسن به نجف حمل و دروادی السلام به خاک رفت رحمت خدای بر او باد .

آن بزرگوار از چند تن از اساطین فقه و اصول اجازه اجتهاد گرفته است که اقدم آن ها نوشته مرحوم آقای حاجی شیخ زین العابدین

→ و جامع شرایط اجتهادات مستقیمه می باشند و دارج مدارج فضل و سداد و به کمالات صوری و معنوی آراسته و پیراسته اند ولی به ملاحظه عدم تناهی علوم و کثرت اشتیاق به وجود ایشان داعی مانع از حرکت ایشان گشته و ملتزم انجام و انتظام امور متعلقه به ایشان شدم و عمده اعتماد داعی در این باب به اهتمام و کفایت جناب عالی است که انشاء الله تعالی به ملاحظه مراتب اتحاد کمال حمایت و امداد را در حق ایشان معمول خواهند فرمود بلکه از مراحم عالی مدتی چند به فراغت بال به لوازم تکمیل اشتغال دارند و كذلك مکننا ل یوسف فی الارض ولنعلمه من تأویل الاحادیث واله غالب علی امره و لکن اکثر الناس لا یعلمون الحاصل مقصود از مزاحمت اینکه طوری نشود که این التزام سبب خجالت داعی باشد بلکه بقدر امکان در ازدیاد اسباب امتنان داعی مضایقه و مسامحه نخواهند فرمود زیاده زحمتی نیست .

مازندرانی است به تاریخ ۱۰ سنوال ۱۳۰۳ یعنی هنگامیکه او سی و دو سال داشته است و مازندرانی او را در این اجازه به عباراتی سترگه ستوده است . مرحوم آقا میرزا محمد تقی حائری «میرزای شیرازی» در توثیقی که در یکی از بازگشت های او به اردبیل از او کرده است نوشته است که دلولا جهت ترویج شرع اطهر و حفظ نوامیس اسلام و مسلمین در آن صفحات بقاء ایشان در این اماکن شریفه و اشتغال به تدریس الزم بود لکن به جهت اهدا و ناس و حفظ نوامیس مسلمین از مهالك مانع از حرکت به آن صفحات نشدیم ومع ذلك اگر چنانچه تصرف در امری متوقف بر رخصت این جانب هم بوده باشد از این جانب مأذون و مرخص در تصرف مطلق امور حسبه می باشد الخ» مرحوم آقا میرزا محمد فاضل شرایبانی از او چنین یاد کرده است : «... علامه العلماء و فهامة الفضلاء اسوة المحققين العظام قدوة المدققين الكرام نتيجة المجتهدين الاعلام... » و بالاخره صاحب کفایه آورده است که «... عمدة العلماء والمجتهدین و زبدة الفقهاء الراشخین...» اساساً صاحب کفایه با او عنایتی خاص داشته است و در این باب یادآوری حکایتی خالی از لطف نیست مجاهدین پس از فتح طهران و برچینی اساس استبداد صغیر در باب مرحوم آخوند ملاقر بانعلی زنجانی مخالف نامور مشروطیت از صاحب کفایه کسب تکلیف کردند مرحوم آقا میرزا محمد حسین مجتهد نائینی صاحب رساله معروف در دفاع از مشروطیت که بدان وقت محرر آخوند بود گفت مفسد فی الارض است و باید... آخوند به حاجی میرزا یوسف آقا گفت نظر شما چیست او گفت اجازه بفرمائید استخارتی کنم و چون قرآن بر گوشه این آیه آمد . . . و یا قوم هذه ناقة الله لكم آية فذروها تأكل فی ارض الله ولا تمسوها بسوء فیاخذکم عذاب قریب آقا شایخ احمد دشتی گفت معلوم می شود او را خواهند کشت آخوند گفت دهنت بشکند چرا قال بدزدی آقا میرزا یوسف گفت استنباطی صحیح کرد ولی به ذیل آیه متوجه نشد که فیاخذکم عذاب قریب بالاخره تلگرافی نوشتند قریب. به این مضمون که جناب آخوند ملاقر بانعلی شخص محترم می است و به علت کبر سن وعدم اطلاع از اوضاع اتباع آراه منتسبه به ایشان مطلقاً حرام است. مرحوم آقا میرزا یوسف گفت اجازه بفرمائید عکسی از این نوشته برداریم و چون آخوند از هلت آن سؤال کرد جواب داد که می ترسم آن را عوض کنند و نظرش

به مرحوم نائینی بود آخوند به فراست دریافت و رو به او «نائینی» کرد و گفت: «بس است دیگر میرزا حسین دنیای مرا خراب کردی حالامی خواهی عاقبتم را هم خراب کنی» بالاخره همان تلگراف را خطاب به صدر اعظم و وزیر داخله مخایره کردند (۱). آن بزرگوار دارای سه فرزند انات بود و پنج فرزند ذکور به نامهای مرحوم آقا میرزا سعید که در حیات پدر از این جهان در گذشت و آقای سلیمان محسن که اینک ساکن زنجان است و آقای مرتضی دلجو که اینک ساکن اردبیل است و مرحوم آقای مصطفی آیت الله زاده که در بیروت تحصیل کرده بود و گویا تنبی کرد و سرانجام به وضعی حزن انگیز از این عالم در گذشت و مصنفاتی داشت که خبری از آنها نماند ... و بالاخره مرحوم آقای تقی آیت الله زاده که او هم در اوان جوانی سر به خاک نهاد. اما آثار آقا میرزا یوسف آقا عبارتند از:

- ۱- کتاب الاغسال ۲- کتاب الخمس ۳- کتاب الوقف ۴- کتاب المیاه
- ۵- کتاب الدماء الثلاث ۶- کتاب القضاء ۷- رساله در وصایا و منجزات مریض

۱- صورت این تلگرام مختصر اینک در تصرف آقای یوسف محسن است. آقای سید احمد زنجانی هم به این قضیه اشاره ای کرده است به این شرح: «در وجه بردن آن مرحوم و آخوند ملا قربانعلی» به کاظمین از مرحوم آقا میرزا یوسف اردبیلی نقل کردند در قم آقای حاج شیخ مهدی مازندرانی نیز از آقای شریعت اصفهانی نقل کرده که بعد از آنکه مرحوم آخوند زنجانی گرفتار مجاهدین گردید در باب او به مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی مخایره کرده بودند که تکلیف چیست آن مرحوم بعد از مشاوره مراجعه به استخاره کرد این آیه آمد هذه ناقة الله لكم... الکلام یجرا الکلام قم ۱۳۷۰ ج ۱ ص ۱۲۰ - به افاده ی بعضی از فضلاء بدین گونه پایمردی این بزرگوار «آقا میرزا یوسف آقا» از آخوند زنجانی حفظ المدم کرد و از واقعه ای همانند وقعه حاجی شیخ فضل الله نوری جلو گیری . معروف است که فتوای قتل حاجی شیخ فضل الله را از آقا سید ابوطالب زنجانی گرفتند و به نام صاحب کفایه شهرت دادند و او چون بر این امر مطلع گردید عمامه بر زمین زد ولیس هذا اول قارورة کسرت فی الاسلام -

- ۸- رساله در اجاره ۹- رساله در اغسال «ناقص» ۱۰- رساله در خمس «ناقص»
 ۱۱- رساله در مباحث مختلفه فقه ۱۲- رساله در باب ضبط صوت : «حافظ
 الصوت» ۱۳- رساله در تقبیل الاعتاب ۱۴- رساله در وطی الشبهه ۱۵- کتاب
 مباحث الفاظ ۱۶- رساله در تقييد ۱۷- رساله در اجتهاد و تقليد ۱۸- رساله
 در تعادل و تراجیع ۱۹- رساله در شك و ظن و يقين ۲۰- رساله در استحباب
 ۲۱- رساله در عدالت ۲۲- رساله در مكارم الاخلاق (۱) ۲۳- رساله در
 اثبات صانع ۲۴- مجموعه به نام متفرقات در فقه و ادعيه ۲۵- جنگ که
 جميع آنها فعلا در تصرف آقای يوسف محسن است . همچنین کتب ذیل را اعم
 از مطبوع و مخطوط تصحيح کرده است .
- ۱- شرح البدايه في علم الدرايه و مشتركات الرجال «خطی» که توسط
 آقا میرزا سعيد استنساخ و به دست او تصحيح شده است .
- ۲- قواعد التجاره في شيخ موسى بن شيخ جعفر که نیز به دست مرحوم
 آقا میرزا سعيد فرزند ارشد او استنساخ و به دست خود او تصحيح شده است
 و اينک در تصرف آقای يوسف محسن است .
- ۳- منهج الدعوات از روی نسخه اصل بامدارك .
- ۴- جلدوقف مفتاح الكرامه از روی نسخه اصل که در خانواده صاحب
 مفتاح وقف بر اولاد بوده است .
- ۵- وسائل چاپ امير بهادر از روی نسخه اصل که وقف بر اولاد صاحب
 وسائل بوده است .
- ۶- دوره ي جواهر الكلام از روی نسخه اصل که وقف بر اولاد صاحب
 جواهر بوده است به شرط عدم خروج از نجف .